

انقلابی برای یکدیگر است آسمانی انقلابی برای یکدیگر است آسمانی



اول

اگر چه در سخن آخر کلمات به آخر می‌رسند، اما در این سطور اندک می‌خواهیم بگوییم که ما هنوز در آغاز راهیم؛ در آغاز حرکتی عظیم، در آغاز یک زیست آسمانی. در آغاز یک خیزش جهانی. به برگه‌های دفترچه خاطرات انقلاب که نگاه می‌کنیم، هر چه می‌بینیم، حادثه‌ها و طوفان‌هایی است که کشتی انقلاب همه آنها را پشت سر گذاشته است، بی‌هیچ آسیب و گزند؛ چرا که مردی از تبار نوح بر سکان سفینه انقلاب فرمان داد و راست‌قامتان جاودانه تاریخ، بی‌هیچ خوف و هراسی بر افق نورانی خورشید در پس ابر چشم دوختند. انقلاب اسلامی ایران در این سال زیبا به ۲۶ سالگی خود می‌رسد؛ ۲۶ سالی که هزاران روز سخت و تلخ و پیروزمند و شیرین را گذرانده و در ۹۶۰۰ روز پرتلاطم به نقطه ثمردهی و زمان باردهی خود رسیده است.

انقلابی جوان و کم‌نظیر که شاید بتوان در میان همه انقلاب‌های تاریخ آن را با استعدادترین و قدرتمندترین جوان‌مرد انقلابی نامید، انقلابی نستوه و استوار. انقلاب جوان و نهضت ۲۶ ساله اکنون در دست‌ان سرنوشت‌سازترین ملت تاریخ بشریت است؛ در دستان نسلی پرشکوه و پرافتخار که همه وجودشان را برای خدا و خلق مستضعف‌عالم وقف نموده‌اند؛ نسلی که از ۱۵ خرداد ۴۲ تا ۱۵ خرداد ۶۸ را فقط شنیده و بحران‌ها و توطئه‌ها را در کتاب‌ها و نوشته‌ها دیده است. این نسل باید به سلاح ایمان، اخلاص، علم و عمل مجهز باشد و خود را مهبای دوراندیشی معمار انقلاب اسلامی نماید. همان دور اندیشی پیر و مقتدای انقلاب که در آخرین لحظه‌های عمر آسمانی‌اش به همه نسل‌های انقلابی چنین فرمود: «کمربندهایتان را محکم ببندید... با بغض و کینه بر دشمنان‌تان بنگرید... به سلاح علم و ایمان مجهز شوید... فردا روز امتحان دیگری است... همه ما مکلف به ادای تکلیفیم نه مأمور به نتیجه... اسلام همه قتل رفیع عالم را فتح خواهد کرد.»

دوم

از انقلاب سخن گفتن، کاری آسان نیست. از آن جهت که برای روشن ساختن فردای نسل پرورش‌یافته در صلح و ثبات، بر اساس آرمان‌ها و شعارهای انقلابی باید با دقت تمام، همه زوایا و عناصر مؤثر دوران انقلابی را ترسیم کرد. کاری که شاید ده‌ها هنرمند و نویسنده با همکاری و همدلی و همفکری و کار مستمر ده ساله، نتوانند حتی یکی از زوایای پنهان آن را از میان صدها زاویه مخفی نشان دهند. انقلاب حادثه نبود، یک قطعه زرین و آسمانی بود که به سان معجزه می‌مانست و در میان همه باورهای دیکته شده به گروهک‌های سیاسی ملحد که یامهره شرق بودند و یا عروسک غرب، از ید بیضای روح الله الموسوی الخمینی درخشید و همه چشم‌ها را خیره کرد. تا آن جا که هیچ دیده بینایی در عالم شیطانی غرب، هنوز از زمان درخشش آن خواب آسوده‌ای را بر خود ندیده است. تا این نور می‌درخشید، شیطان شب پرست عالم یعنی غرب و مظهر آن یعنی آمریکا در ستیز با ماست و این ستیز همان ستیز شیطان و خدا، ستیز زشتی و زیبایی و ستیز ظلمت و نور است. ستیزی که در طلیمه فجر انقلاب بر همه عالم سیطره یافت و نور امید را بر قلوب مستضعفان عالم تاباند. باورش سخت است اما برای این بود که خمینی عزیز فرمود: «انقلاب ما انفجار نور بود.»

سوم

انقلاب پیروز شد و این پیروزی مرهون تلاش پابرهنگه‌ها و بیغوله‌نشین‌ها بود. انقلابی که بار اصلی آن روی دوش محرومان و فقرا بود، انقلابی برخاسته از متن توده‌های پابرهنگه و بیچاره. شعارها آن چه نشان می‌دادند همه رهایی ملت از محرومیت و ظلم و رفع «فقر» و «فساد» و «فاصله طبقاتی» بود. مبارزان و مجاهدان از قرآن می‌گفتند و از نهج البلاغه. «متزل» و «منصب» و «مرکب» نشانه‌های دنیایی بودند و مظهر طاغوت و ظلم. نکتند امروز همان مجاهدان حامی فقرا که با نام آفتابی نهج البلاغه محرومان را به

صحنه کشاندند و سینه سوخته فرزندان پابرهنگه انقلاب را در برابر سرب‌های داغ شیطان نهادند تا نام اسلام بماند و نهج البلاغه همچنان بدرخشد و فرمان امام بر زمین نماند، بر سیره‌ای گام نهند که روزی مظهر و نماد طاغوت بود. راستی وظیفه یک جوان ۲۶ ساله آرمان‌گرا در برخورد با چنین مظاهری چیست؟ این پرسش را آیت‌الله شهید دکتر بهشتی چنین می‌گوید: «انقلاب ما انقلاب آرمان‌هاست نه انقلاب تسلیم واقعیت‌ها»

چهارم

پایانی‌ترین فراز سخن اگر بخواهد حرفی را برای گفتن داشته باشد، چیزی نیست جز آرزوی مبارزان حقیقی این انقلاب و سجده‌کنندگان بر سجاده خون و شهادت؛ آرزویی که بیش از هزار سال بر سینه داغدار شیعه نشسته بود و در سرزمین کسری و هخامنش که نماد طاغوت بودند، با شکستن چهارده کنگره طاغوتی و پس از ۱۴ قرن تحقق یافت؛ آرزویی که جز پیامبر خدا و امیر عدالت و تقوی در مدت زمانی کوتاه هیچ یک از امامان و بزرگان دیگر بر عملی نمودن آن موفق نشدند. این سرمایه و افتخار با عظمت که مقدمه «امت واحده مهدوی» است در اوج شرف، سربلندی و جاودانگی قرار دارد. آن چنان که امروز همه اسلاف نمرود، فرعون، قیصر و چنگیز آتشی برای حکومت عشق فراهم آورده‌اند، حال آن که تا حقیقت مولای غایب از نظر در پیش ماست، آتش بر ما سرد است و گلستان.

«بارها! این انقلاب اسلامی را مقدمه انقلاب حضرت بقیة‌الله‌الاعظم در جهان بشریت قرار ده»
این دعای آسمانی حضرت روح‌الله همچنان بر سجاده نیاز و قنوت مناجات ملت ما جاری است، تا این چنین است، نهضت خمینی پایدار است آنچه‌آن که امت نستوه چنین می‌گویند: «خدایا خدایا تا انقلاب مهدی از نهضت خمینی محافظت بفرما»

سردبیر